

مقاله تنظیم شده برای نسخه موبایل:

چرا زوج‌های خوب از هم طلاق می‌گیرند؟ (چهار گام حل دعوا)

به عروس خانم نگاه می‌کنی مذهبی و باحجاب، به مرد نگاه می‌کنی او هم مومن و مذهبی. اما با هم دعوایشان است. و تو هر چه فکر می‌کنی چطور مذهبی که باعث وحدت است تولید اختلاف کرده، نمی‌فهمی. حالا این‌ها به کنار، چطور منجر به جدایی شده است؟

علت این است که این زن و شوهر در ظاهر شریعت مثل همند: یعنی هر دو نماز می‌خوانند، هر دو سعی می‌کنند مومن باشند و ... اما در باطن شریعت با هم فرق دارند. یعنی یکی در مراتب بالاتر معرفتی هست و دیگری پایین‌تر. و این گونه می‌شود که اختلاف پیش می‌آید. و هیچ کدام نمی‌فهمند چرا با هم اختلاف دارند. آنکه در مرحله‌ی بالاتری از معرفت هست، باید دست همسر را بگیرد و آهسته آهسته او را بالا بیاورد. البته گاهی هم نمی‌شود که نمی‌شود. و باید بگذاریم او در همان جایی هست که باشد و مهر بر لب باشد و ما تمرین مقام صبر و ... بکنیم.

مثلا یکی در مرحله‌ی زهد هست و نان و پنیر با نان و کباب برایش فرقی نمی‌کند و این را هر چقدر برای یک آدم که در این مرحله نیست توضیح دهی نمی‌فهمد. و این را می‌گذارد پای خسیس بودن.

یکی در مقام توکل است و از آینده هیچ ترسی ندارد. دیگری می‌خواهد ترس از آینده را با بیمه و پس‌انداز کردن و ... برطرف کند. هر چقدر مقام توکل را توضیح دهیم، می‌گذارند پای تنبلی و عدم دوراندیشی و ...

یکی در مقام احسان است، یکی در مقام عدالت. هر چه او احسان می‌کند و گذشت دارد، می‌گذارند پای ضعیف بودن و بی‌تفاوتی به زندگی و عدم حمایت

از او و ...

و البته درجات بالاتر معرفتی هم داریم:

رسیدن به درجات زیر سخت است اما ممکن است کسی به این درجه برسد و مردم او را دیوانه بدانند. در حالی که او عاقل‌ترین مردم است.

...أَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ بَرَّةٌ أَتَقِيَاءُ قَدْ بَرَّاهُمُ الْخَوْفُ فَهُمْ أَمْثَالُ الْقِدَاحِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسِبُهُمْ مَرْضَى وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ أَوْ يَقُولُ قَدْ خُولِطُوا فَقَدْ خَالَطَ الْقَوْمَ أَمْرٌ عَظِيمٌ... در روز حلیم و دانشمند و نیکوکار و با تقوایند و ترس آن‌ها گوشت آن‌ها را ریخته مانند باریکی تیرها که تراشیده می‌شود و کسی که آن‌ها را ببیند گمان برد بیمارند و آنها بیماری ندارند یا گویند دیوانه‌اند (در صورتی که دیوانه نیستند) بلکه امری بزرگ آنان را آشفته کرده است. (خطبه متقین نهج‌البلاغه)

سینه محل اسرار است یعنی هر درجه‌ی معرفتی را برای هر کسی نباید باز کرد. باید زمینه‌اش باشد، ظرفیتش باشد، آهسته آهسته انجام شود و علم با عبادت تبدیل به ملکه شود.

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (حجر ۹۹) و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه یقین تو فرا رسد. (حجر ۹۹)

این گونه می‌شود که زن و شوهر که در ظاهر شریعت شبیه هم هستند ممکن است دچار اختلاف شوند و حتی جدایی شاید.

یکی هی قناعت می‌کند دیگری هی غر می‌زند چرا کم است. یکی هی احسان دارد دیگری هی غر می‌زند چرا با عدالت برخورد نمی‌کنی و ...

بعضی وقت‌ها تو هرچقدر برای دوست یا همسر یا ... یک مطلب معرفتی را توضیح می‌دهی او نمی‌فهمد و تو با خود فکر می‌کنی چرا چنین چیز واضحی را نمی‌فهمد؟ چون درجات شما متفاوت است. و چون جنس علم از جنس نور است. در قسمتی از حدیث عنوان بصری آمده است: امام جعفر (ع) فرمود: علم

به تعلم نیست بلکه نوری است که از طرف خداوند تبارک و تعالی بر دل‌ها می‌تابد....

حدیث زیر درجات ایمان را به هفت قسمت تقسیم کرده بعضی احادیث دیگر، بیشتر یا کمتر هم تقسیم کرده‌اند و بعضی عرفا تا صد منزل و بیشتر هم تقسیم کرده‌اند.

عماد بن ابی الاحوص گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال ایمان را بر هفت سهم قرار داده و آنها عبارتند از نیکی، صدق، یقین، رضا، وفاء، علم، و حلم، بعد از این، آن‌ها را بین مردم تقسیم کرد، و هر کس این هفت سهم را داشته باشد کامل می‌باشد.

بعضی از آن هفت سهم یک سهم دارند و گروهی دو سهم و بعضی هم سه سهم و یا بیشتر، بعد از آن فرمود: بر کسی که یک سهم دارد دو سهم را بر او تحمیل نکنید، و یا آن کس که دو سهم دارد سه سهم بر او تحمیل نمی‌شود زیرا آن‌ها نمی‌توانند تحمل کنند و همین طور است تا هفت سهم.

(ایمان و کفر- ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار ج ۱ ص: ۴۴۳)

این جهاد توست که باید همسری را که در سطح پایین‌تری است، بسازی و اگر نشد مقام صبر را تمرین کنی. ممکن است همسرت مثل همسر حضرت لوط باشد یا ابراهیم(ع) یا پیامبر(ص) یا ممکن است همسرت فرعون باشد و تو باید آسیه(س) شوی یا ایوب(ع).

در ازدواج بالاخره نقص‌های تو و همسرت رو می‌شود. همه‌ی ازدواج‌ها همین طور است. میدان جدید و وسیع ازدواج، نقص‌های عجیبی از تو رو می‌کند که باید حالا خودت را بسازی. تمرین حلم، تمرین کریم بودن و

اما گاهی می‌شود که زن و شوهر در باطن شریعت هم تا حدودی شبیه هم هستند اما خانواده‌هایشان نیستند.

ناگهان یک دعوی کوچک زن و شوهری مسخره ممکن است منجر به طلاق

شود چگونه؟

دعوی زن و شوهر بهتر است فقط و فقط بین زن و شوهر باشد، نشد مشاور مومن متخصص.

در مسائل خانواده، مرحله‌ی اول اصلاح خود زوجین است بدون دخالت دیگران اگر نشد، دیگران دخالت کنند. ان یصلحا بینهما (نکته ۳ ذیل آیه ۱۲۸ نساء) نه اینکه با یک مشکل کوچک سریع قهر کنیم و برویم خانه‌ی پدر و مادرمان.

تا آنجا که ممکن است دعوا را به خانواده‌ها نکشانیم چرا؟ چون شرایط زیر را فراهم نمی‌کنیم:

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (نساء ۳۵) و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است. (نساء ۴۵)

نکته ۱: داوران از هر دو فامیل باشند تا سوز و تعهد و خیرخواهی بیشتری داشته باشند. نکته ۱۴: همه مسائل را به دادگاه نکشانیم و خودتان درون گروهی حل کنید فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ. نکته ۱۵: باید زن و شوهر داوری داوران انتخاب شده را بپذیرند. (لازمه انتخاب داور اطاعت از حکم اوست). نکته ۱۷: در انتخاب داور باید به آگاهی، رازداری و اصلاح طلبی آنان توجه کرد. إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا. و ... (نکاتی از تفسیر نور)

در آیه گفته شده حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا یعنی یک حَكَم از این طرف، یک حَكَم از آن طرف. حَكَم یعنی کسی که قدرت حکمیت دارد نه هر

کسی. و یک نفر نه شونصد نفر.

حالا ما چگونه هستیم؟ زن با خانواده‌اش، مرد هم با خانواده‌اش در یک جلسه شروع به صحبت می‌کنند. یعنی در این جلسه تقریباً هفت، هشت تا حکم است. هر کسی هم یک نظر و یک جهان‌بینی خاص خود را دارد. و حتی در این جلسه افراد مجرد هم هستند. افرادی که هیچ تجربه‌ای از زندگی متاهلی ندارند. تا انسان وارد زندگی متاهلی نشود و زیر و زبرش را درک نکند اصلاً توان درک مشکل را ندارد. پس مجرد در جلسه واقعا برای حل دعوا مضر است و کار را خراب‌تر می‌کند. گاهی این مجرد برادرشوهر است، گاهی خواهرزن و ... (البته اکثریت مجردها این‌طورند و نه همه.) این همه حکم در یک جلسه آشی می‌شود با چندین آشپز و به نتیجه نمی‌رسد.

یک ریش‌سفید (انسان پخته) از این طرف، یک ریش‌سفید از آن طرف بس است.

اما در هر صورت کشاندن دعوا به خانواده‌ها واقعا اشتباه است چون ریش‌سفید با قدرت حکمیت و عاقل، خیلی کم شده است.

اما چرا این قدر تاکید می‌کنم که خانواده‌ها نه؟

چون خانواده‌ها حکمیت و داوری بلد نیستند.

اکثریت خانواده‌ها در سطوح معرفتی خوبی نیستند که آن‌ها بیایند و مثل قدیم‌ها با ریش‌سفیدی کار حل شود.

اکثریت یک اشتباه استراتژیک می‌کنند اشتباه زیر را:

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَ عَزَّنِي فِي

الْخِطَابِ (ص ۲۳) «این [شخص] برادر من است. او را نود و نه میش، و مرا یک

میش است، و می‌گوید: آن را به من بسپار، و در سخنوری بر من غالب آمده

است.» (ص ۲۳)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (ص ۲۴) [داوود] گفت: «قطعاً او در مطالبه می‌ش تو [اضافه] بر می‌ش‌های خودش، بر تو ستم کرده، و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می‌دارند، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، و اینها بس اندکند، و داوود دانست که ما او را آزمایش کرده‌ایم. پس، از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد. (ص ۲۴)

قضاوت نباید عجولانه و بر اساس شنیدن سخن یکی از طرفین باشد. (حضرت داوود(ع) با شنیدن سخن یک نفر از طرفین قضاوت کرد و فرمود: لَقَدْ ظَلَمَكَ به همین دلیل از خداوند عذر خواست. فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ) (نکته ۱ از تفسیر نور) البته ترک اولی و امتحان و ... بود مراجعه شود به تفاسیر. حالا زن و شوهری که با هم دعوایشان شده و می‌روند خانه‌ی پدر و مادرشان؛ خانواده‌ها بدون شنیدن حرف طرف مقابل قضاوت می‌کنند. طرف مقابل در نظر آن‌ها یک گول بیابانی می‌شود. وقتی یک طرف دعوا ماجرا را شرح می‌دهد از زاویه خود می‌گوید و چون دفاعیات نیست، طرف مقابل در نظر قضاوت‌کنندگان یک گول بی شاخ و دم می‌شود.

در مشاوره هم همین‌طور است. هیچگاه نباید یک نفر به تنهایی مشاوره رود. اگر تنها می‌رود حتما همسرش در آینده نزدیک برود یا مشاور او را به مشاوره بکشاند. مشاور بالاخره باید بعد از شنیدن حرف دو طرف مشاوره بدهد و گرنه حرف نزنند بهتر است. و مشاور، مومن و متخصص باشد، نه فقط متخصص خالی.

رسول خدا بارها فرمود: انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی.
 وَقَالَ عَلِيٌّ (ع): مَنْ شَكَأَ الْحَاجَّةَ إِلَى مُؤْمِنٍ فَكَأَنَّمَا شَكَأَهُ شَكَاهَا إِلَى اللَّهِ وَمَنْ
 شَكَاهَا إِلَى كَافِرٍ فَكَأَنَّمَا شَكَأَ اللَّهَ (حکمت ۴۲۷)

از علی علیه السلام نقل شده که اگر کسی به مؤمن اظهار حاجت نماید
 همانند این است که به خدا عرض حاجت و شکایت نموده است و کسی که به
 غیرمؤمن شکایت حال خود را نماید مانند این است که از خدا شکایت کرده
 باشد. (بحار الانوار، ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸ ج ۲ ص: ۶۴)

تقوا است که قدرت فرقان (تشخیص حق از باطل) را به انسان می‌دهد. یا
 أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا... (۲۹ انفال) ای کسانی که ایمان
 آورده‌اید، اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند برایتان فرقانی [قوهی شناخت
 حق از باطل] قرار می‌دهد؛ و... (۲۹ انفال)

حالا فرض بر این بگذاریم خانواده‌ها حاضر شدند حرف طرف مقابل یعنی
 حرف همسر شما را بشنوند، محبت شدید آن‌ها نسبت به یک طرف که ما
 باشیم مانع قضاوت درست می‌شود.

.... وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعِثْ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ
 تَذَكَّرُونَ (انعام ۱۵۲)... و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویند عدالت را رعایت
 کنید، هر چند [درباره] خویشاوند [شما] باشد. و به پیمان خدا وفا کنید.
 اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که پند گیرید.
 (انعام ۱۵۲)

یا آیه زیر:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ
 وَ الْأَقْرَبِينَ... (نساء ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام

کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد... (نساء: ۱۳۵)

حالا فرض کنیم هم حاضر شوند حرف دو طرف را بشنوند و هم قضاوت عادلانه کنند، اسرار شما که عبارت است از خصوصیات منفی و مشکلات مالی و اخلاقی و ... در دعوا مطرح می‌شود و به شکل بی‌رحمانه.

یعنی یک عیب‌هایی مطرح می‌شود که اصلا هیچ ربطی به دعوا ندارد و فقط از روی عصبانیت حرف زده می‌شود. موضوع دعوا الف است اما عیب‌های ب و ج و د و ... هم می‌آید وسط. یا مثلا عیب‌هایی که قبلا بوده و حل شده هم برای غلبه و پیروزی طرح می‌شود.

و حالا اگر دعوا هم حل شود شما تا آخر عمر باید کسانی را ببینید که اسرار شما را می‌دانند یا دیدشان ممکن است برای همیشه نسبت به شما منفی شده باشد. و حرمت‌های شکسته شده‌ای که به این زودی‌ها ترمیم نمی‌شود.

یکی از آیه‌هایی که در دعوا به آن اصلا توجه نمی‌شود آیه زیر است:

.... هُنَّ لِبَاسٍ لَّكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ... (بقره ۱۸۷) آنان برای شما لباسی هستند

و شما برای آنان لباسی هستید... (بقره ۱۸۷)

پس دعوا را به سطح خانواده‌ها نکشانیم تا بتوانیم خاصیت لباس بودن زن و شوهر را حفظ کنیم. و فقط حَکَم، پخته، صالح و رازدار است که می‌تواند این کار را انجام دهد.

و برای همین از جمله مهم‌ترین خصوصیات زن حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ (حفظ اسرار و حقوق همسر) است.

... فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ... (نساء: ۳۴)... پس، زنان

درستکار، فرمانبردارند [و] در غیاب [همسر خود] اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند... (نساء: ۳۴)

پس چهار گام در دعوای زن و شوهری می شود این:

اول سکوت: تا چند ساعت سکوت کنید تا مغز شما به حالت عادی برگردد و قوه عقل بر قوه غضب و شهوت مسلط شود. و از خانه بیرون نروید و به هیچ کس از خانواده تلفن نزنید، به هیچ کس. (به جز مشاور مومن متخصص.) فقط سکوت و تفکر. تلفن هم جواب ندهید که صدای شما بلرزد و یک عده از اعضای فامیل با بیل در خانه شما حاضر شوند. با پیامک بگویند سرتان شلوغ است بعدا تماس می گیرید.

اگر نمی دانیم بدانیم در طلاق رجعی طبق آیه یک سوره طلاق بعد از طلاق تا حدود سه طهر یا سه ماه، زن حق بیرون رفتن از خانه ندارد و مرد هم حق بیرون کردن زن را از خانه ندارد.

پس موقع قهر از خانه بیرون نرویم. قرآن می گوید بعد از طلاق از خانه بیرون نروید ما موقع قهر می رویم خانه پدر و مادرمان. عجب از این بشر فاصله گرفته از قرآن. (مراجعه شود به آیه یک طلاق)

دوم مذاکره: گفتگوی دو نفره شما و همسر؛ و هر کس استدلال و دلیل عصبانیت خود را مطرح کند

سوم مشاوره مومن متخصص: اگر با این مشاور مومن متخصص حل نشد، مشاور مومن متخصص بعدی.

چهارم پذیرش سطح معرفتی همسر. ممکن است شما در مقام توکل باشید و او نباشد و

اگر توانستی حدیث معروف عنوان بصری (توصیه شده توسط عارف بزرگ آیت الله قاضی ره) در اینجا یعنی وسط دعوا اجرا کنی، مردی. بسم الله سلوک

الی الله می‌خواهی این تو و این حدیث عنوان بصری.
وسط بحران‌ها مرد باش و احادیث و آیات را روی خودت پیاده کن.

نویسنده: محسن کشتکار

از همین نویسنده می‌توانید کتاب زیر را مطالعه بفرمایید، توضیحات بیشتر در مورد کتاب در اپلیکیشن طاقچه:
تفسیر و طنز در حوزه ازدواج و خانواده.
پشت و روی جلد کتاب:

